



نوع مقاله: پژوهشی
دوره ۱، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۴
دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۳۰ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۷

تفسیرهای قضایی از جرم رابطه نامشروع تماسی و غیرتماسی

✉ aminnikoomanzari@yahoo.com

امین نیکومنظری

قاضی دادگستری، دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهیدبهشتی، تهران، ایران

حمیدرضا معارفی زنجانی اصل

کارشناس ارشد مدیریت اصلاح و کیفرهای قضایی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران

چکیده: ابهام در مفهوم و دامنه شمول «روابط نامشروع» در ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، به‌ویژه در خصوص رفتارهای غیرتماسی و مجازی، موجب برداشت‌های متعارض، تشتت رویه قضایی و کاهش پیش‌بینی‌پذیری حقوقی شده است. فقدان تعریف دقیق و معیارهای شفاف برای عنصر مادی جرم، خطر نقض اصل قانونی بودن جرم و مجازات و تعرض به حریم خصوصی را افزایش داده است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس بررسی متون قانونی، منابع فقهی و آراء قضایی انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد سه رویکرد اصلی در تفسیر ماده ۶۳۷ وجود دارد: رویکرد مضیق که دامنه ماده را محدود به تماس فیزیکی می‌داند؛ رویکرد موسع که تعاملات غیرتماسی با محتوای جنسی را نیز مشمول می‌داند؛ و رویکرد میانه که تحقق جرم را منوط به قصد مجرمانه و وجود قرائن خاص می‌کند. چالش‌های اثباتی در فضای دیجیتال، امکان تفسیرهای سلیقه‌ای و نبود نص صریح، موجب صدور آراء ناهمسان و خدشه به عدالت کیفری شده است. بر این اساس، اصلاح قانون، تدوین دستورالعمل‌های قضایی و آموزش تخصصی قضات برای تضمین حقوق فردی و انسجام رویه، ضروری است.

واژگان کلیدی: رابطه تماسی، رابطه غیرتماسی، فضای مجازی، رویه قضایی، چالش‌های قانون‌گذاری

استناد: نیکومنظری، امین و معارفی زنجانی اصل، حمیدرضا. (۱۴۰۴). تفسیرهای قضایی از جرم رابطه نامشروع تماسی و غیرتماسی. دوفصلنامه رویه قضایی، ۱(۱)، ۲۲۷-۲۴۶.

<https://doi.org/10.22034/juris.2025.2051086.1006>

© نویسنندگان.

ناشر: دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.



مقدمه

ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) یکی از موضوعات مهم و پیچیده در حقوق کیفری ایران است که به بررسی و جرم‌انگاری روابط نامشروع میان زن و مرد نامحرم می‌پردازد. این ماده، که مجازات شلاق تا ۹۹ ضربه را برای این نوع روابط تعیین کرده است، در طول سال‌های گذشته مورد بحث و بررسی گسترده در میان حقوق‌دانان، جامعه‌شناسان، و سیاست‌گذاران قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که در تفسیر این ماده مطرح می‌شود، تعیین حدود و شمول آن است. این که آیا این ماده تنها به روابط فیزیکی و تماسی میان طرفین اشاره دارد، یا می‌توان روابط غیرتماسی مانند ارسال پیام‌های نامناسب در فضای مجازی را نیز ذیل آن قرار داد، یکی از موضوعات اصلی بحث‌های حقوقی است که هم‌اکنون در ایران با آن مواجه هستیم. این پرسش، با توجه به تحولات فرهنگی و فناوری در چند دهه اخیر، اهمیت روزافزونی پیدا کرده و تأثیرات عمیقی بر تفسیر قوانین کیفری در ایران گذاشته است (قدسی و پورزرین، ۱۳۸۲: ۱۸۹). در دهه‌های اخیر، با گسترش فضای مجازی و نقش آن در ارتباطات اجتماعی، ابعاد جدیدی از روابط انسانی مطرح شده است که در زمان تصویب قوانین کیفری کنونی پیش‌بینی نشده بودند. روابط غیرتماسی، همچون ارسال پیام‌ها، تصاویر، یا محتوای نامناسب در پلتفرم‌های دیجیتال، چالش‌های متعددی را برای قانون‌گذاران و قضات ایجاد کرده است.

مفهوم «روابط نامشروع» در حقوق کیفری ایران به روابطی اطلاق می‌شود که بین دو یا چند انسان (اعم از اینکه میان زنان باشد یا مردان یا ترکیبی از دو جنس)، ایجاد می‌شود که مجاز به برقراری رابطه خارج از محدوده تعیین‌شده در شرع و قانون نیستند و آن رابطه، خلاف موازین شرعی و اخلاقی جامعه است. این روابط ممکن است شامل انواع مختلفی از ارتباطات فیزیکی و غیرفیزیکی مانند تماس‌های جنسی، معاشرت‌های نامناسب و حتی رفتارهای غیرتماسی مانند ارسال پیام‌های غیراخلاقی در فضای مجازی باشد. در همین راستا، در برخی از تفسیرهای حقوقی، روابط نامشروع به روابطی گفته می‌شود که به نوعی منافی عفت عمومی و فردی باشند و موجب آسیب به هنجارهای اجتماعی و اخلاقی جامعه شوند (یساقی، ۱۳۹۷: ۷۳). مفهوم «منافی عفت» نیز در حقوق ایران به رفتارهایی اشاره دارد که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به نقض حدود عفت و شرافت فرد و جامعه منجر می‌شود. این اصطلاح معمولاً به رفتارهایی اطلاق می‌شود که در آن‌ها نوعی بی‌احترامی به موازین اخلاقی و شرعی جامعه مشاهده می‌شود.

از آنجایی که در ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، هیچ تعریف صریح و جامعی از مصادیق عبارت «روابط نامشروع»، ارائه نشده است، در عمل، این ابهام مفهومی موجب شده که قاضیان

و مراجع قضایی در پرونده‌های مشابه، به تفاوت‌های چشمگیری در تفسیر و اعمال ماده ۶۳۷ برسند؛ از ارتباطات الکترونیکی گرفته تا تماس‌های فیزیکی منافی عفت (صادق‌نژاد نائینی، ۱۳۹۸: ۵۶).

در یک رویه موسع، شماری از قضات با اتکا به عرف و ارزش‌های اخلاقی جامعه، هر گونه ارتباط غیرتماسی، مانند ارسال پیام‌های خصوصی با محتوای جنسی، تبادل تصاویر نامناسب یا گفت‌وگوهای مجازی را نیز در حیطه «روابط نامشروع» قرار می‌دهند. این دسته از تفاسیر، با این استدلال که امنیت اخلاقی جامعه تنها از طریق نظارت بر رفتارهای مجازی نیز تضمین خواهد شد، به سرعت دامنه شمول ماده را گسترش می‌دهند.

در مقابل، گروهی از مراجع قضائی تأکید می‌کنند که جرم‌انگاری باید بر اساس مصادیق عینی و مادی صورت گیرد و تنها روابطی را شامل شود که مستلزم تماس بدنی یا اجرای عملی منافی عفت باشد. این رویه، از آموزه‌های بنیادین حقوق کیفری نظیر «اصل قانونی بودن جرم و مجازات» و «اصل تحدید جرم» پیروی می‌کند و می‌کوشد با تفسیر مضیق قوانین جزایی، از تحمیل تعقیب‌های ناموجه به افراد جلوگیری کند.

میان این دو رویکرد، نوعی رویه میانه نیز به چشم می‌خورد که عنصر قصد مجرمانه را به عنوان شرط اثباتی لحاظ می‌کند؛ به این معنا که فقط در صورتی رفتار غیرتماسی یا مجازی جرم‌انگاری می‌شود که مشخص گردد با قصد تحریک جنسی یا اغوای طرف مقابل انجام شده است. این شیوه، تلاش دارد تا میان حفظ آزادی‌های فردی و صیانت از نظم اخلاقی جامعه توازن برقرار کند.

با گسترش فضای مجازی و شکل‌گیری روابط عاطفی یا جنسی در بسترهای غیرحضور، پرسش‌های تازه‌ای پیش روی نظام قضایی و قانون‌گذاری قرار گرفته است. مهم‌ترین سؤال این پژوهش آن است که: آیا بر اساس مبانی فقهی و اصول تفسیری حقوق کیفری، می‌توان روابط غیرتماسی و مجازی میان زن و مرد نامحرم (یا هر شخصی که شرعاً مجاز به برقراری ارتباط مزبور نیست) را ذیل عنوان «روابط نامشروع» در ماده ۶۳۷ قرار داد یا خیر؟

فرضیه اصلی پژوهش بر این مبنا استوار است که: با توجه به اصول تفسیر مضیق قوانین کیفری، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، و نیز قرینه‌های موجود در متن ماده (مانند ذکر مصادیق تماسی)، شمول روابط غیرتماسی بر ماده ۶۳۷ فاقد پشتوانه کافی بوده و مستلزم تصریح قانونی جدید یا بازنگری در متن ماده است. این فرضیه در عین حال، از منظر فقهی نیز به نبود نص صریح در منابع اصلی استنباط در خصوص جرم‌انگاری روابط غیرتماسی اشاره دارد که این امر، زمینه اجتهادات متفاوت و در نتیجه اختلاف رویه در دستگاه قضایی را فراهم می‌سازد.

در این مقاله، تلاش می‌شود تا با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی، ابعاد مختلف این مسئله

بررسی شود. ابتدا به مبانی حقوقی ماده ۶۳۷ پرداخته و سپس دیدگاه‌های موجود در مورد جرم‌انگاری روابط غیرتماسی تحلیل می‌شود. در نهایت، پیشنهادهایی برای بازنگری و شفاف‌سازی این ماده ارائه خواهد شد تا از ابهامات قانونی کاسته شده و عدالت کیفری به شکلی مطلوب‌تر اجرا شود. این تحقیق امیدوار است با تبیین بهتر موضوع، راهکارهایی برای بهبود قوانین کیفری در مواجهه با تحولات فرهنگی و فناوری پیشنهاد دهد. در نتیجه، بررسی تطبیقی این موضوع با نظام‌های حقوقی دیگر نیز می‌تواند زمینه‌ساز گسترش دیدگاه‌های نوین و تطابق بهتر قوانین داخلی با معیارهای جهانی شود.

ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) که قلمرو «روابط نامشروع» و «اعمال منافی عفت» را مورد مقرر قرار می‌دهد، هم‌زمان متأثر از موازین فقهی و اصول عام کیفری است و لذا تحلیل آن باید بر پایه تمایز روشن میان قلمرو مادی جرم، عنصر روانی و کیفیت ادله اثبات استوار باشد. از منظر مبانی نظری، لازم است ابتدا ماهیت تعزیری مجازات و نقش اراده قانون‌گذار در تعیین مصادیق و میزان مجازات توضیح داده شود تا معیارهای تفسیر و تنگ‌های اصل قانونی بودن جرم و مجازات روشن گردد؛ سپس قلمرو مصادیق عمل مادی که حکم را تحت شمول قرار می‌دهد به‌صورت دقیق تعیین شود، زیرا ابهام در مصادیق عملاً به ناهمگونی رویه قضایی و مخاطره سرایت کیفری می‌انجامد (آرین، ۱۳۹۸: ۵۳). در بعد عنصر معنوی، تأکید بر قصد و آگاهی مرتکب نسبت به عمل و نسبت جنسی آن، و نیز نقش رضایت و قبح کیفری در احراز مسئولیت، ضرورت روشنی‌بخشی روند اثبات را نمایان می‌سازد. از منظر حقوقی - اجرایی، کاربست موازین اثباتی با سایر عناوین کیفری، تأثیری مستقیم بر تعیین عنوان کیفری و تناسب اصولی مجازات دارد. همچنین تکلیف قانون‌گذار و قوه قضائیه در جهت تعیین حدود قابل پیش‌بینی برای شهروندان و فراهم کردن امکاناتی که از ورود بی‌قید مسائل اجتماعی به حوزه کیفری جلوگیری کند، از جنبه‌های عملی مبانی حقوقی این ماده به‌شمار می‌آید.

۱. مفهوم‌شناسی

نخستین گام در ورود به هر بحث علمی و نیز تحلیل حقوقی، مفهوم‌شناسی از اصطلاحات محوری و یا مرتبط با پژوهش است. در این بخش سعی می‌شود به تعریف روابط نامشروع از منظر فقه امامیه و نیز حقوق کیفری ایران و سپس به تبیین تمایز آن با جرائم منافی عفت پرداخته شود تا زمینه ورود به مباحث نظری و تحلیلی مقاله فراهم آورد.

۱-۱. تعریف روابط نامشروع در فقه امامیه و حقوق ایران

یکی از نکات مهم در تفسیر ماده ۶۳۷، تعریف دقیق «روابط نامشروع» است. این واژه در حقوق اسلامی به ارتباطات جنسی غیرمجاز، مانند زنا و لواط اشاره دارد که در آن طرفین بدون عقد شرعی

و قانونی اقدام به برقراری ارتباطات جنسی می‌کنند. از این رو، این ماده نه تنها رفتارهای فیزیکی بلکه هر گونه ارتباط جنسی یا غیرجنسی خارج از ازدواج را که مطابق با اصول شرعی و قانونی نباشد، در بر می‌گیرد. در واقع، این ماده در تلاش است تا رفتارهای غیرمجاز و غیراخلاقی را که ممکن است به طور مستقیم یا غیرمستقیم به جامعه آسیب برسانند، کنترل کند (مسعودی‌نیا، ۱۴۰۱: ۶۳).

فقهای شیعه در تعریف روابط نامشروع با یکدیگر اختلاف نظر دارند و منشأ آن، اختلاف آن‌ها در خصوص رابطه جسمی و فیزیکی است که آیا چنین رابطه‌ای، در محقق گردیدن عنوان «نامشروع» شرط است یا خیر؟ برخی از فقها در تعریف رابطه نامشروع بیان داشته‌اند که هر گونه رابطه میان زن و مرد نامحرم (عموماً میان این دو دسته است، اما حصری ندارد)، که منجر به گناه یا فساد گردد، عنوان روابط نامشروع بر آن صدق می‌نماید، گرچه غالباً به زنا اطلاق می‌شود و اعم از تماس جسمی است، مانند مکالمه عاشقانه (استفتاء از دفتر آیت الله علوی گرگانی، کد استفتاء ۱۴۳۲۸). این دسته از فقها، تماس جسمی و فیزیکی را در تحقق عنوان رابطه نامشروع، شرط نمی‌دانند، بلکه هر عملی که همراه با لذت جنسی بوده و نوعاً موجب تحریک جنسی شود یا مفسده و معرضیت در فتنه را در پی داشته باشد را برای تحقق عنوان مذکور کافی می‌دانند.

در مقابل، برخی از فقهاء، تعریفی محدود از این عنوان ارائه نموده و آن را از عناوین عرفیه می‌دانند و معتقدند که بر فرض وجود این عنوان، مختص به امور فیزیکی و جسمی مذکور در فقه خواهد بود و برای صدق عنوان «رابطه نامشروع»، رابطه جسمی فیزیکی شرط است (استفتاء از دفتر آیت الله شبیری زنجانی، کد استفتاء ۱۴۰۰۳).

۲-۱. تمایز روابط نامشروع از جرائم منافی عفت

تمایز روابط نامشروع از جرائم منافی عفت یکی از مسائل اساسی در این حوزه است. روابط نامشروع معمولاً به ارتباطات جنسی یا ارتباطات میان زن و مرد نامحرم اطلاق می‌شود که خارج از چهارچوب‌های قانونی و شرعی صورت می‌گیرد. اما جرائم منافی عفت دامنه وسیع‌تری از رفتارهای غیراخلاقی را شامل می‌شود که ممکن است لزوماً با روابط جنسی همراه نباشند. طبق ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری، جرائم منافی عفت، شامل انواع مختلفی از رفتارهای غیراخلاقی می‌شود که در آن‌ها فساد اخلاقی و آسیب به عفت عمومی و خصوصی جامعه ایجاد می‌شود. این جرم‌ها ممکن است شامل فحشا، آزارهای جنسی و سایر رفتارهای مشابه باشند که معمولاً مجازات‌های سنگین‌تری را به همراه دارند.

به بیان دیگر، رابطه میان منافی عفت و رابطه نامشروع، عموم و خصوص مطلق بوده و اعمال منافی عفت، اعم از رابطه نامشروع است، زیرا در رابطه نامشروع، حتی اگر به صورت مخفیانه باشد،

وجود رابطه میان دو نامحرم، موضوعیت دارد، اما در عمل منافی عفت، رفتار جنسی خلاف شرع، موضوعیت پیدا می‌کند و به عبارت دیگر، باید رفتار شخص، به تنهایی، خلاف پاک‌دامنی باشد (نوروزپور، ۱۴۰۲: ۱۱۵).

۲. تأثیر فضای مجازی بر روابط نامشروع

در دهه‌های اخیر، با توجه به تحولات فرهنگی و اجتماعی در ایران، استفاده از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در ارتباطات میان افراد گسترش یافته است. این تغییرات باعث شده است که مفاهیم مربوط به «روابط نامشروع» از حد ارتباطات فیزیکی و تماسی فراتر رفته و شامل روابط غیرتماسی نیز بشود. یکی از مسائل پیچیده در تفسیر ماده ۶۳۷، چگونگی رسیدگی به روابط نامشروع در فضای مجازی است. ارسال پیام‌های جنسی یا تصاویر غیراخلاقی از طریق پلتفرم‌های دیجیتال، چالش‌های جدیدی برای نظام قضایی به وجود آورده است. در حالی که در گذشته روابط نامشروع تنها به صورت فیزیکی و تماسی تعریف می‌شد، امروزه این روابط به طور گسترده‌تری در فضای مجازی رخ می‌دهند و حتی شامل پیام‌های نامناسب یا تصاویر تحریک‌آمیز می‌شود (ملک شعار و تدین، ۱۳۹۸: ۱۵۴).

فضای مجازی با گسترش سریع و بدون مرز خود، شیوه‌های تعامل اجتماعی را دگرگون کرده و به‌ویژه در حوزه روابط بین فردی و زناشویی، اثراتی عمیق بر جای گذاشته است. یکی از مهم‌ترین پیامدهای این تحول، شکل‌گیری و گسترش روابط نامشروع در بستر فضای مجازی است؛ روابطی که اگرچه ممکن است آغاز آن صرفاً از طریق گفت‌وگو یا تعامل ساده صورت گیرد، اما به تدریج با بار عاطفی یا جنسی پنهان، از چهارچوب اخلاقی و حتی قانونی خارج می‌شود.

مطالعات روان‌شناختی نشان می‌دهند که این نوع روابط، اغلب در بستر نارضایتی زناشویی یا احساس کمبود در رابطه عاطفی شکل می‌گیرند. یک پژوهش کیفی تأکید می‌کند که افراد، اغلب خیانت مجازی را کم‌خطرتر از خیانت فیزیکی تلقی می‌کنند و از همین رو، ورود به چنین تعاملاتی را توجیه‌پذیر می‌دانند؛ حال آن‌که از منظر عاطفی، این نوع روابط می‌توانند همان‌قدر ویران‌گر باشند (Restya, 2020: 108).

در پژوهش کمی دیگری، نشان داده شده است که هرچه سطح رضایت زناشویی کمتر باشد، احتمال شکل‌گیری «رفتارهای مرتبط با خیانت در شبکه‌های اجتماعی» به طرز معناداری افزایش می‌یابد؛ رفتارهایی چون ارسال پیام‌های خصوصی صمیمانه، پنهان‌کاری در استفاده از تلفن همراه یا تعامل تکراری با افراد خاص، می‌تواند به تدریج رابطه اولیه را تضعیف کند و پایه‌های اعتماد را از بین ببرد (Papp and Others, 2015: 557).

از منظر حقوق خانواده، این نوع روابط اگرچه ممکن است در ابتدا صرفاً جنبه مجازی داشته باشند، اما در نظام حقوقی ایران می‌توانند مصداق نقض تعهد زناشویی تلقی شوند. براساس ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی، زن و شوهر موظف به معاشرت به‌حُسن خلق با یکدیگر هستند و ماده ۱۱۰۲، وفاداری و تمکین را جزء آثار عقد نکاح می‌داند. از این منظر، ورود یکی از زوجین به رابطه عاطفی یا جنسی ولو صرفاً مجازی، می‌تواند مصداق نقض تعهدات زناشویی محسوب شود و در برخی موارد مبنایی برای صدور حکم طلاق به درخواست طرف مقابل یا اثبات عسر و حرج باشد. همچنین در مواردی که رابطه مجازی به مبادله تصاویر یا محتوای مستهجن بیانجامد، حتی ممکن است مشمول عناوین کیفری چون تشویق به فساد، تولید یا نگهداری محتوای مجرمانه یا تحریک به رابطه نامشروع شود که در قوانین کیفری ایران قابل تعقیب است (براساس قانون جرائم رایانه‌ای و ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی).

۳. دو تفسیر اصلی از ماده ۶۳۷ و اختلافات و تشتت رویه قضایی ناشی از آن‌ها

ابهام در تعیین حدود مفهومی «روابط نامشروع» و «اعمال منافی عفت»، باعث شکل‌گیری دو دیدگاه تفسیری عمده و ایجاد اختلاف در رویه قضایی شده است.

دیدگاه نخست که می‌توان آن را «تفسیر محدود» نامید، بر این باور است که منظور قانون‌گذار از «روابط نامشروع» همان اعمالی است که همراه با تماس فیزیکی آشکار میان زن و مرد نامحرم باشد و نمونه‌های مذکور در متن ماده، همچون بوسیدن (تقبیل) یا هم‌خوابگی بدون زنا (مضاجعه)، حصری یا دست‌کم ناظر بر اعمال مشابه‌اند. طرفداران این نظر استناد می‌کنند به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و ضرورت تفسیر مضیق مقررات کیفری، و معتقدند که در صورت نبود عنصر مادی تماس فیزیکی، رفتارهایی چون مکالمه خصوصی، پیام‌رسانی یا ملاقات در مکان عمومی، حتی اگر از دید اجتماعی ناپسند تلقی شوند، در شمول ماده نمی‌گنجد، مگر آنکه قرائن مسلم و قطعی بر وقوع عمل فیزیکی وجود داشته باشد. برخی از پژوهشگران نیز بر این نکته تأکید می‌کنند که مثال‌های مندرج در ماده، قرینه قصد قانون‌گذار (مراد جدی) بر محدودسازی قلمرو جرم است (یساقی، ۱۳۹۷: ۴۵).

در برابر، دیدگاه دوم یا «تفسیر موسع» بر آن است که ذکر مصادیق در ماده جنبه تمثیلی دارد و قانون‌گذار با آوردن عبارت «از قبیل» در پی آن بوده که هرگونه رفتار مغایر عفت عمومی و اخلاق جنسی، حتی بدون تماس فیزیکی مستقیم، را در دایره جرم قرار دهد. مطابق این برداشت، روابط مجازی با محتوای جنسی، ارسال تصاویر خصوصی، گفت‌وگوهای مستهجن یا قرارهای مکرر در مکان‌های خلوت که به قصد ارتکاب اعمال جنسی صورت می‌گیرند، همگی می‌توانند مصداق

«روابط نامشروع» باشند. این گروه استدلال می‌کنند که محدود کردن دامنه ماده صرفاً به تماس‌های فیزیکی، کارایی قانون را در مواجهه با تحولات ارتباطی و شیوه‌های نوین ارتکاب اعمال منافی عفت کاهش می‌دهد. در برخی از پژوهش‌ها نیز تصریح شده است که تفسیر موسع می‌تواند در پوشش‌دهی به آسیب‌های اخلاقی ناشی از فضای مجازی مؤثر باشد (فرجامیان ۱۴۰۴: ۷).

اختلاف این دو رویکرد در عمل موجب تشتت رویه قضایی شده است. برخی شعب دادگاه تنها در صورت وجود ادله قطعی مانند شهادت معتبر یا اعتراف، و آن هم درباره اعمال فیزیکی، حکم محکومیت صادر می‌کنند. در مقابل، شعبی دیگر با تکیه بر قرائن غیرمستقیم، مانند محتوای پیام‌ها و شبکه‌های اجتماعی، حضور مکرر در مکان‌های خلوت، یا اظهارات مطلعین، حکم به تحقق روابط نامشروع می‌دهند.^۱ پژوهش‌های تحلیلی درباره رویه قضایی، این اختلاف را ناشی از فقدان تعریف قانونی دقیق و روشن دانسته‌اند (شکوهنده، ۱۳۹۹: ۸۰).

برای پرهیز از خطای قضایی، قضات عملاً از چند شیوه استدلالی یا «سنجه» استفاده کرده‌اند. «سنجش عنصر مادی محسوس» که در آن وجود یک عمل فیزیکی آشکار از جنس مصادیق ماده شرط تحقق جرم دانسته می‌شود، بیشتر در چهارچوب تفسیر محدود کاربرد دارد. «سنجش مجموعه قرائن» بر پایه جمع‌آوری شواهد غیرمستقیم و ارزیابی آن‌ها در قالب یک کل منسجم است و به تفسیر موسع نزدیک‌تر است. همچنین، «تست قصد و نیت» به تحلیل عنصر روانی و انگیزه طرفین

۱. علی‌رغم اختلاف دیدگاه‌های موجود در رویه قضایی، با توجه به نظریات اداره کل حقوقی قوه قضائیه و دکترین و رویه قضایی مجتمع ارشاد (اعم از دادسرا و دادگاه که در تهران، صلاحیت رسیدگی به این جرائم را دارند)، باید پذیرفت که در روابط نامشروع غیرفیزیکی افرادی که شرعاً مجاز به برقراری رابطه نیستند، ابتدا پرونده در دادسرا مطرح و سپس با انجام تحقیقات مقدماتی و در صورت لزوم، صدور قرار جلب به دادرسی و کیفرخواست، به دادگاه ارسال می‌گردد و روابط نامشروع غیرتماسی، برخلاف روابط نامشروع تماسی، در صلاحیت مستقیم دادگاه نیست. هر چند در بازرسی دادسرای انتظامی قضات در سال ۱۳۹۸ و در حین بازرسی، پرونده‌های روابط نامشروع غیرتماسی که در دادسرای ارشاد تهران (دادسرای امنیت اخلاقی فعلی)، در حال رسیدگی بود، ضمن بیان انتقاد از پذیرش صلاحیت دادسرا در رسیدگی به این نوع از پرونده‌ها، هیئت محترم بازرسی قضایی، تفکیک در مصادیق روابط نامشروع به تماسی و غیرتماسی را نپذیرفته و عقیده به صلاحیت مستقیم دادگاه در تمام مصادیق ماده ۶۳۷ ق.م.ا. (تعزیرات) و روابط نامشروع، خواه تماسی و خواه غیرتماسی را داشتند (آقایی، ۱۴۰۳: ۸۷). در نتیجه به نظر می‌رسد برای پرهیز از ارتکاب تخلف انتظامی در این خصوص، در صورت ارجاع پرونده‌های رابطه نامشروع غیرتماسی در دادسرا، ابتدا بهتر است که با صدور قرار عدم صلاحیت یا دستور اداری، پرونده به دادگاه ارسال گردد و در صورت عدم پذیرش این تصمیم از سوی دادگاه و اعاده آن از سوی آن مرجع، دادسرا حسب تکلیف قانونی به تبعیت از دادگاهی که در معیت آن است، اقدام به انجام تحقیقات مقدماتی می‌نماید.

می‌پردازد و در صورت احراز قصد ارتکاب عمل منافی عفت، حتی اگر کامل محقق نشده باشد، مبنای صدور حکم قرار می‌گیرد.

در جمع‌بندی، ماده ۶۳۷ بستری برای دو قرائت متفاوت فراهم آورده است: یکی با رویکرد مضیق و تأکید بر تماس فیزیکی که بیشتر با اصول سنتی حقوق کیفری هم‌خوانی دارد، و دیگری با رویکرد موسع که با هدف حفظ عفت عمومی در برابر شکل‌های نوین رفتارهای جنسی غیرمجاز توسعه یافته است. استمرار این دوگانگی موجب صدور آرای متعارض و ناهمسان شده و نشان می‌دهد که بدون تعریف شفاف و یکسان‌سازی برداشت‌ها از سوی مراجع قانون‌گذاری یا قضایی، اختلاف رویه همچنان باقی خواهد ماند.

۴. ضرورت بازنگری در قانون و تفسیر صحیح ماده ۶۳۷

تجربه قضایی در اجرای ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی نشان داده که ابهام در تعیین حدود این ماده، بیش از هر چیز در مرحله تشخیص مصداق نمود پیدا می‌کند. در بسیاری از پرونده‌ها، اختلاف اصلی نه بر سر وقوع یا عدم وقوع رفتار، بلکه بر سر این است که آیا رفتار انجام‌شده در چهارچوب «روابط نامشروع» یا «اعمال منافی عفت» جای می‌گیرد یا خیر. در غیاب تعریفی روشن، این تشخیص به برداشت ذهنی قاضی و نحوه تفسیر او از واژه‌ها وابسته می‌شود و همین وابستگی، بستری برای نتایج کاملاً متفاوت در پرونده‌های مشابه فراهم می‌آورد.

گستره تفسیرهای موجود گاه تا حدی است که یک دادگاه، صرف وجود پیام‌های خصوصی یا قرارهای مکرر را مصداق ماده بدانند، در حالی که دادگاه دیگر، همان شرایط را فاقد عنصر مادی جرم تلقی کند. این تفاوت، مستقیماً به ساختار ماده بازمی‌گردد که با آوردن عبارت «از قبیل تقبیل یا مضاجعه» بدون تعریف دقیق، تنها به ذکر چند مثال بسنده کرده است. چنین چینی در متن، موجب شده که عده‌ای این مثال‌ها را محدودکننده دامنه بدانند و عده‌ای دیگر آن‌ها را نمونه‌هایی از یک مفهوم عام. پیامد این اختلاف، شکل‌گیری دو جریان عمده فکری در بدنه قضایی کشور است که هر یک به مجموعه‌ای متفاوت از معیارها برای احراز جرم استناد می‌کنند.

در این میان، اهمیت ثبات رویه دوچندان است. جرایمی که مستقیماً به عفت عمومی مربوط‌اند، از حساسیت اجتماعی بالایی برخوردارند و هرگونه تشتت در تصمیم‌گیری، به سرعت در افکار عمومی بازتاب می‌یابد. فقدان معیار مشترک در ارزیابی ادله، هم به کاهش قابلیت پیش‌بینی نتایج رسیدگی برای اصحاب دعوا می‌انجامد و هم اعتماد عمومی به عدالت کیفری را تحت فشار قرار می‌دهد. حتی در مواردی که قانون‌گذار هدف حمایت از نظم عمومی را داشته، ابهام در بیان موجب شده که ابزار تحقق این هدف در عمل، با نتایج متناقض همراه شود.

بررسی میدانی و تحلیلی پرونده‌ها، که در پژوهش‌های دانشگاهی نیز انعکاس یافته، مؤید آن است که بدون تبیین دقیق و هماهنگ دامنه ماده ۶۳۷، این اختلافات ادامه خواهد یافت. در مطالعه‌ای تصریح شده که بخش عمده آرای متعارض ناشی از «ابهام ذاتی در مفاهیم به‌کاررفته و فقدان معیار شفاف برای اثبات» است (میقانی، ۱۳۹۶: ۲). این یافته به روشنی نشان می‌دهد که مشکل نه در نحوه اجرای قانون، بلکه در ساختار و بیان آن نهفته است.

۵. محدودیت‌های فقهی و حقوقی در جرم‌انگاری روابط غیرتماسی

جرم‌انگاری روابط غیرتماسی، با چالش‌ها و محدودیت‌های عمیق فقهی و حقوقی مواجه است که اساس امکان و مشروعیت چنین جرم‌انگاری را زیر سؤال می‌برد. از منظر فقهی، مهم‌ترین محدودیت، نبود نص صریح و قطعی در منابع اصلی شریعت (کتاب و سنت متواتر) است که به طور خاص و مستقیم، صرف این گونه ارتباطات غیرفیزیکی و بدون تماس بدنی را حرام و مستوجب مجازات دنیوی (حد یا تعزیر شرعی) اعلام کند. ادله عامی مانند حرمت «اقتراب» زنا یا «سفاهت» و «فساد»، محل تأمل و اجتهاد گسترده است. برخی فقها با استناد به عموم ادله حرمت زنا و مقدمات حرام، این روابط را مصداق «مقدمه حرام» یا حتی در حکم زنا غیرلواطی می‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۳: ۴۸۲). در حالی که دیگران با استناد به فقدان دخول یا مباشرت بدنی، قائل به تفکیک شده و حرمت آن‌ها را منوط به عناوین ثانویه، مانند ترتب فساد یا احتمال وقوع زنا تماسی می‌دانند، نه حرمت ذاتی مستوجب حد (سیستانی، ۱۴۳۸: ۲/۵۲۳)؛ این اختلاف نظر فقهی بنیادین، مانعی اساسی برای جرم‌انگاری یکسان و قطعی در سطح قانون‌گذاری است.

از منظر حقوقی، محدودیت‌ها برجسته‌ترند. اولاً، جرم‌انگاری مستلزم نقض صریح یک اصل بنیادین حقوق کیفری است: اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها. این اصل که در اسناد بین‌المللی (مانند ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر) و قوانین اساسی (مانند اصل ۳۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) تضمین شده، تأکید می‌کند که هیچ رفتاری را نمی‌توان جرم محسوب کرد مگر آنکه پیش از ارتکاب، به صراحت در قانون، جرم شناخته شده و مجازات آن تعیین شده باشد. روابط غیرتماسی، به دلیل تنوع گسترده و ماهیت نامحسوس، غالباً در قالب تعاریف سنتی جرایم جنسی مانند زنا یا رابطه نامشروع (که عمدتاً مبتنی بر تماس فیزیکی هستند) نمی‌گنجد. جرم‌انگاری آن‌ها نیازمند تعریف دقیق، روشن و مضیق عنصر مادی در قانون است تا از اتهام‌زنی گسترده و تفسیرهای قضایی سلیقه‌ای جلوگیری شود. ثانیاً، اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری حکم می‌کند که قوانین جزایی باید به نفع متهم تفسیر شوند. ابهام در تعریف «رابطه نامشروع» یا «فعل منافی عفت» در قوانین فعلی (مانند ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی ایران که به «هتک عفت و اخلاق حسنه» اشاره

می‌کند) و تعمیم آن به حوزه‌های کاملاً مجازی و غیرتماسی، با این اصل در تضاد است و خطر نقض حریم خصوصی و آزادی‌های فردی را افزایش می‌دهد.^۱

ثالثاً، محدودیت‌های عملی در اثبات این گونه روابط، چالش حقوقی بزرگی ایجاد می‌کند. ماهیت خصوصی و غالباً دوستانه با رضایت، دستیابی به ادله معتبر (غیر از اعتراف که خود مشکلات خاص دارد) مانند شهادت یا علم قاضی را بسیار دشوار و ورود به حریم خصوصی ارتباطات افراد را تقریباً اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. این امر با اصل حرمت حریم خصوصی که در اسناد حقوق بشری و قوانین اساسی مورد تأکید است، در تعارض قرار می‌گیرد. بنابراین، تعیین مصادیق روابط مجازی غیرتماسی که قابلیت جرم‌انگاری داشته باشند، به دلیل فقدان معیار عینی و روشن در متون فقهی و قوانین موضوعه، با چالش‌های جدی مواجه است و هرگونه توسعه در این زمینه، مستلزم دقت نظر فراوان در مبانی فقهی و رعایت اصول مسلم حقوق کیفری مانند اصل قانونی بودن است (محمّدی، ۱۴۰۰: ۸۷). رابعاً، اصل تناسب جرم و مجازات نیز زیر سؤال می‌رود؛ آیا مجازات‌های سنگین

۱. شعبه ۱۰۸۴ دادگاه عمومی جزائی تهران (کیفری دو فعلی) در بررسی پرونده ارجاع شده به آن شعبه، علیرغم اینکه ارسال پیامک‌ها و ارتباطات در فضای مجازی «شرعاً و عرفاً مذموم» و متهمان را «مستحق سرزنش» دانسته، اما به سبب «عدم احراز ارتباط نامشروع فیزیکی» مورد نظر قانون‌گذار در ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، و استناد به نظریات مشورتی شماره ۷/۲۴۵۲ - ۱۳۷۸/۰۶/۰۱ - ۷/۳۸۸۰ - ۱۳۸۱/۰۴/۱۹ اداره کل امور حقوقی قوه قضائیه، و همچنین فقدان دلایل تلفنی در پرینت‌های اداره مخابرات و انکار متهمان، ادله اثباتی را ناکافی تشخیص داد؛ لذا مستنداً به ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری و رعایت اصل ۳۷ قانون اساسی حکم برائت صادر نمود. شعبه ۴۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران نیز اعتراض شاکی را وارد ندانست و رسیدگی بدوی را «مطابق مقررات و با توجه به مجموع اوراق» یافت و دلیل موجهی برای نقض رأی نیافت. از آنجا که تجدیدنظرخواهی با موارد ماده ۲۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری منطبق نبوده، دادگاه تجدیدنظر وفق بند «الف» ماده ۲۵۷ دادنامه بدوی را عیناً تأیید و رأی را قطعی نمود.

به نظر می‌رسد که هر دو دادگاه منطقی و متقن عمل کرده‌اند: نخست، بار اثبات جرم با شاکی است و مادامی که عناصر مادی و قانونی «رابطه نامشروع غیر زنا» مطابق تفسیر مرجع قضایی و نظریات مشورتی احراز نشود، تردید به نفع متهم باید منتج به برائت گردد (اصل ۳۷). دادگاه بدوی درست تشخیص داده که پیامک‌ها گرچه مذموم‌اند اما خودبه‌خود اثبات‌کننده عنصر «نزدیکی/ارتباط فیزیکی» مذکور در ماده ۶۳۷ (بنابر بر تفسیر مرجع قضایی) نیستند؛ استناد صریح به نظریات مشورتی قوه قضائیه نشان می‌دهد تفسیر این جرم نیازمند دلایل خارجی و عینی‌تر است. فقدان تماس تلفنی در پرینت مخابرات، انکار متهمان و عدم وجود اعتراف یا شاهد عینی، مجموعه ادله را ناقص ساخته است؛ بنابراین اعمال ماده ۱۷۷ برای صدور حکم برائت و نظارت قضایی تجدیدنظر مطابق حدود صلاحیت (مطابقت با ماده ۲۴۰ و بند «الف» ماده ۲۵۷) از حیث آیینی نیز موجه است. در نتیجه، رویکرد دادگاه‌ها که رفتار مجازی را محکوم اخلاقی اما ناقص المدل برای محکومیت کیفری شناخت، از حیث اثباتی و تفسیر قاعده جزایی توجیه‌پذیر و قابل دفاع است.

موجود برای جرایم جنسی تماسی (مانند حد زنا) می‌تواند عادلانه و متناسب برای انواع غیرتماسی که ممکن است درجه متفاوتی از آسیب اجتماعی یا اخلاقی داشته باشند، اعمال شود؟ این عدم تناسب، مشروعیت و مقبولیت اجتماعی جرم‌انگاری را تضعیف می‌کند. در نتیجه، جرم‌انگاری روابط غیرتماسی، علاوه بر فقدان پشتوانه فقهی اجماعی، با موانع حقوقی جدی در خصوص اصل قانونی بودن، دشواری اثبات، نقض حریم خصوصی و رعایت تناسب مجازات روبرو است.

۵-۱. اصل شفافیت در تعیین حدود جرم و مجازات

در نظام حقوقی ایران، اصول اساسی قانون‌گذاری بر اساس شفافیت و دقت در جرم‌انگاری و تعیین مجازات‌ها استوار است. ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی تأکید دارد که هیچ‌کس را نمی‌توان جز در صورت ارتکاب جرم با مجازات روبرو کرد. به عبارت دیگر، برای هر نوع رفتار مجرمانه، باید ابتدا یک قانون روشن و قطعی وجود داشته باشد که رفتار خاصی را جرم‌انگاری کند. این شفافیت موجب می‌شود افراد پیش از ارتکاب رفتار بتوانند پیامد حقوقی آن را پیش‌بینی کنند و همچنین اختیار قاضی در تفسیر موسع یا سلیقه‌ای محدود شود. ابهام در قانون سبب نقض حق دفاع، تضعیف تضمین‌های دادرسی و افزایش خطر اعمال مجازات‌های نامتناسب می‌گردد. پژوهش‌های حقوقی نشان داده‌اند که بدون وضوح متن، اصل پیش‌بینی‌پذیری و ثبات حقوقی آسیب می‌بیند و مرز مسئولیت کیفری و عنصر روانی نیز مخدوش می‌شود (Hart, 2008: 93; Fuller, 2010: 64; Ashworth and Horder, 2013: 121). در این راستا، قانون‌گذاران به‌طور عمده روابط جنسی فیزیکی غیرمجاز را تحت عنوان «زنا» قرار داده‌اند. بنابراین، هرگونه ارتباطی که به‌صورت غیرتماسی و از طریق فضای مجازی یا ارسال پیام‌های جنسی رخ دهد، نمی‌تواند به‌طور صریح و بر اساس قانون موجود جرم‌انگاری شود.

با توجه به این مبنا، عدم شفافیت قانونی در زمینه روابط غیرتماسی، مانند مرادوات دیجیتال و ارتباطات در فضای مجازی، پیامدهای قضایی جدی دارد. نخست، تعریف ناقص یا مبهم مصادیق جرم در این حوزه می‌تواند رفتارهای معمولی ارتباطی را به‌طور ناگهانی جرم‌انگاری کند و منجر به خودسانسوری گسترده شود (Lessig, 2006: 45)؛ دوم، فقدان معیارهای روشن برای احراز عنصر روانی یا تعیین میزان ضرر در روابط غیرتماسی، موجب می‌شود دستگاه قضایی به سمت تفسیرهای گسترده و غیرقابل پیش‌بینی حرکت کند که نتیجه آن افزایش دعاوی پراکنده، طولانی شدن رسیدگی و افت کیفیت آراء است (Ashworth, 2016: 124)؛ سوم، ماهیت فنی و قابل تأویل بودن داده‌های دیجیتال در غیاب شفافیت قانونی، احتمال تصمیم‌گیری سلیقه‌ای و اعمال نابرابر قانون را بالا می‌برد (Fuller, 2010: 72). این وضعیت نه تنها حقوق بنیادین افراد را در معرض خطر قرار می‌دهد، بلکه مشروعیت و کارآمدی نظام قضایی را نیز تضعیف می‌کند.

۵-۲. اصل قانونی بودن جرم و مجازات

اصل قانونی بودن جرم و مجازات ایجاب می‌کند که هر تصریح کیفری درباره روابط تماسی یا غیرتماسی مبتنی بر نص روشن، قابل فهم و محدود در قانون باشد؛ منظور انکار زیان بار بودن یا مشروع بودن روابط نامشروع نیست، بلکه تأکید بر این است که اگر رفتارهای آنلاین یا ارتباطی قرار است مجازات پذیر شوند، این وضع باید صریحاً در قانون آمده و عناصر تشکیل دهنده جرم به روشنی تعیین شده باشد. در موارد غیرتماسی، تعیین مصادیق، حدود مادی فعل و نقش عملکردی هر عامل (فرستنده، منتشرکننده، واسطه) باید به گونه‌ای باشد که نه قاضی و نه ضابط ملزم به استنتاج‌های مبهم نشوند؛ در غیر این صورت فضا برای اعمال قیاس کیفری و تفسیرهای فراتر از نص فراهم می‌شود که به اصل پیش‌بینی‌پذیری و امنیت حقوقی لطمه می‌زند.^۱ همچنین هنگام قانون‌گذاری برای روابط غیرتماسی لازم است به‌طور روشن مشخص شود که کدام رفتارها و کدام درجه از زیان، مشمول مسئولیت کیفری می‌شوند تا هم از مجازات‌زدایی نادرست رفتارهای مضر جلوگیری شود و هم از جنایی‌کردن مناسباتی که ابزارهای کمتر تهاجمی برای مقابله با آنها کافی‌اند پرهیز شود (Kuhli, 2012: 47).

در سال ۱۳۷۵، زمانی که قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) تصویب شد، فضای مجازی به‌طور گسترده وجود نداشت. اینترنت و پلتفرم‌های دیجیتال هنوز در دسترس عموم قرار نگرفته بودند و به

۱. شعبه ۱۰۸۸ دادگاه عمومی جزائی تهران (کیفری دو فعلی) در رأی خود، با ارزیابی جامع شکواییه، اظهارات اصحاب دعوا، گزارش‌ها، پرینت مکالمات و پیامک‌ها، نتیجه گرفت که تعاملات میان متهم و شاکی ماهیتی عادی، خانوادگی و مالی داشته و فاقد محتوای صریح یا قرائن جدی بر وجود رابطه نامشروع است. موضوعاتی نظیر هماهنگی برای وام، خرید و فروش کالا و امور بیمه‌ای، در زمره روابط متعارف تلقی شد. دادگاه تأکید کرد که صرف تماس یا ارسال پیامک - حتی بین نامحرم - بدون ظهور عنصر مادی مشخص، جرم‌انگاری نشده و به استناد اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری، حکم برائت صادر کرد.

رأی مزبور از منظر اصول بنیادین حقوق کیفری، به‌ویژه اصل قانونی بودن جرم و مجازات و اصل تفسیر مضیق به نفع متهم، اهمیت بالایی دارد. دادگاه با تفکیک دقیق میان «ارتباط» و «ارتباط نامشروع»، مانع از خلط رفتارهای روزمره با اعمال مجرمانه شد و بر ضرورت احراز هم‌زمان عنصر مادی و روانی جرم تأکید کرد. استناد به فقدان محتوای صریح جنسی یا ادله‌ی عینی، نشان‌دهنده رویکرد مبتنی بر ادله مثبت و پرهیز از استنتاج صرف از قرائن مبهم است. این تصمیم، نمونه‌ای روشن از پایبندی مرجع قضایی به معیارهای اثباتی سخت‌گیرانه در جرائم رابطه نامشروع غیرتماسی (بر فرض تحقق آن) است؛ حوزه‌ای که به دلیل حساسیت اجتماعی، خطر گسترش دامنه جرم‌انگاری بر مبنای ظن یا برداشت شخصی قاضی همواره وجود دارد. چنین رویکردی، تضمین‌کننده ثبات و پیش‌بینی‌پذیری در اجرای عدالت کیفری است.

همین دلیل، نمی‌توانستند در متن قانون به روابط غیرتماسی در این فضا توجه داشته باشند. در آن زمان، رفتارهای غیرتماسی مانند ارسال پیام‌های غیراخلاقی در فضای مجازی برای قانون‌گذاران موضوعیت نداشت و به‌طور طبیعی نمی‌توانستند به آن توجه کنند (رایجیان اصلی، ۱۳۸۸: ۴۱۰). بنابراین، هرگونه تلاش برای جرم‌انگاری روابط غیرتماسی بر اساس ماده ۶۳۷ نیازمند بازنگری در متون قانونی و توجه به تحولات جدید در جامعه است.

به نظر می‌رسد نهاد عدالت کیفری در چالش و تقابل بین فناوری روز دنیا و معضلات اخلاقی برآمده از سبک زندگی جدید توسط شهروندان از یک سو و چهارچوب‌هایی که مقنن در حدود بیست سال پیش و در قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵) پیش‌بینی کرده، قرار گرفته و خود، دچار ابهام است (آقایی، ۱۴۰۳: ۲۳۲). این ابهام و سردرگمی در سیاست کیفری قانونی به سیاست کیفری قضایی تسری یافته، چنانکه در نظریات اداره کل حقوقی قوه قضائیه نیز، تشتت آراء قابل ملاحظه است؛ لذا قانون‌گذار در برخورد با تسری جرایم اخلاقی از روابط سنتی به فضای مجازی، لازم است موضع صریح و روشنی اتخاذ نماید.

۳-۵. اصل حداقلی‌سازی حقوق کیفری

اصل حداقلی‌سازی حقوق کیفری اقتضاء می‌کند که مجازات فقط برای رفتارهایی مقرر شود که از حیث شدت و نوع، تهدیدی واقعی و قابل‌سنجش نسبت به نظم عمومی یا امنیت اجتماعی پدید می‌آورند؛ به عبارت دیگر، توسل به ابزار کیفری باید تنها زمانی مجاز باشد که ضرر متحقق یا احتمالی فراتر از حدودی باشد که با سازوکارهای مدنی، انتظامی یا انتظامی - اداری قابل‌رفع است. تطبیق این قاعده با ماده ۶۳۷ نشان می‌دهد که جنبه تماسی جرم‌انگاری شده با معیار «آسیب ملموس عمومی» همخوانی دارد، اما اگر قانون مشابهی بخواهد ارتباطات غیرتماسی را جرم‌انگاری کند و سپس پیش‌بینی مجازات داشته باشد، باید پیش از هر چیز ثابت شود که آن رفتارها مستقیماً و به‌طور قابل‌سنجش نظم عمومی یا امنیت اجتماعی را تهدید می‌کنند؛ در غیر این صورت دخالت کیفری در روابط خصوصی افراد، مغایر با منطق حداقلی‌سازی خواهد بود و خطر سرکوب آزادی‌های مشروع و ورود غیرضروری دستگاه قضایی را افزایش می‌دهد (Ashworth and Horder, 2013: 98).

۴-۵. عدم تطابق فضای مجازی با جرم‌انگاری فیزیکی

فضای مجازی به‌عنوان یک عرصه جدید ارتباطات اجتماعی، مفاهیم و رفتارهای جدیدی را معرفی کرده است که پیش از این در قوانین کیفری پیش‌بینی نشده بودند. روابط غیرتماسی، مانند ارسال پیام‌های نامناسب، تصاویر غیراخلاقی، یا حتی چت‌های جنسی در فضای مجازی، در مقایسه با روابط فیزیکی، چالش‌های جدیدی را ایجاد کرده‌اند. این مسئله به‌ویژه به دلیل تفاوت‌های

ماهوی میان ارتباطات فیزیکی و غیرتماسی مطرح است. در روابط غیرتماسی، به ویژه در فضای مجازی، هیچ‌گونه تماس بدنی میان طرفین صورت نمی‌گیرد و ارتباطات در غالب پیام‌ها، تصاویر، یا ویدئوهای دیجیتال محدود است.

روشن است که تطابق ناپذیری فضای مجازی با ساختارهای سنتی جرم‌انگاری فیزیکی، موجب تناقض‌هایی بنیادین در تشخیص مصادیق ارتکاب و احراز عنصر روانی می‌شود. در روابط تماسی، جرم‌انگاری فیزیکی بر مبنای تماس مستقیم، حضور مکانی و آثار محسوس بنا شده است؛ اما در محیط دیجیتال همان کنش‌های ارتباطی ممکن است بدون لمس فیزیکی، از طریق پیام یا انتشار محتوا به سرعت منتشر و بازتولید شوند، بنابراین معیارهای مرسوم نظیر «نیت ملموس» یا «نقص مادی» دچار بلا تکلیفی می‌گردند. این امر هم به جنبه کیفی شدن رفتارهای روزمره و هم به کم‌اثر بودن شمول کیفی نسبت به آسیب‌های واقعی منجر می‌شود. در قلمرو روابط غیرتماسی مشکل دیگر، تعیین مرز «تسبیب ضرر» است؛ در حالی که حقوق کیفی فیزیکی معمولاً بر آسیب قابل رؤیت تکیه می‌کند، در فضای مجازی آثار روانی، حیثیتی و جمعی ممکن است دیر هنگام یا پراکنده آشکار شوند و شواهد دیجیتال نیز قابلیت تأویل فراوان دارد، بنابراین قضاوت کیفی با ریسک استنتاج‌های ناصحیح همراه می‌شود (Lessig, 2006: 66). از سوی دیگر، ساختار شبکه‌ای فضای مجازی و نقش واسطه‌گری بازیگران مختلف، همچون کاربران، پلتفرم‌ها و سرویس‌دهندگان خدمات اینترنتی، موجب می‌شود مسئولیت حقوقی میان چندین طرف تقسیم یا مبهم شود. این وضعیت شناسایی زنجیره‌ای اقدامات و تعیین اینکه چه کسی «مباشر» جرم بوده و چه کسی «معاون» را برای دستگاه قضایی دشوار می‌سازد. این ناهم‌سویی همچنین موجب گسترش ابزارهای کیفی نامتناسب می‌شود؛ برای مثال تمایل به استفاده از اصول کیفی سخت به منظور کنترل ابعاد آنلاین که ماهیت و دامنه آن با ضوابط سنتی سنجیده نمی‌شود، باعث تحمیل مجازات‌هایی می‌گردد که یا موجب خودسانسوری گسترده‌اند یا کارایی لازم را برای جبران زیان ندارند (Solove, 2008: 25). در نتیجه، فقدان تطابق میان مبانی جرم‌انگاری فیزیکی و ویژگی‌های فضای مجازی هم عدالت کیفی را به چالش می‌کشد و هم ثبات و پیش‌بینی‌پذیری حقوقی را تضعیف می‌کند.^۱

۱. شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو دادگستری شهرستان ورامین، در یک پرونده متهمان را بر مبنای مجموعه‌ای از تماس‌ها، پیامک‌ها و قرائن رفتاری مستند به «ارتباط نامشروع» محکوم کرد. در مرحله تجدیدنظر، شعبه ۲۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، پس از بازخوانی کامل پرونده، اظهارات و مستندات، رأی بدوی را نقض نمود: دادگاه مزبور دریافت که متهمان منکر برقراری «رابطه فیزیکی» شده‌اند، و صرف ارسال پیامک و مکالمات مجازی، مثبت جرم‌انگاری رابطه

۵-۵. تأکید بر عبارت «تقبیل» و «مضاجعه»

تأکید تبصره ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری، الحاقی ۱۳۹۴ بر «تقبیل و مضاجعه» به عنوان مثال‌های رابطه نامشروع، از منظر قواعد تفسیر حقوقی و اصول جزایی، تفسیر شمول‌آور نسبت به روابط غیرتماسی را دشوار می‌سازد. در حقوق کیفری قاعده اصلی این است که جرائم باید به صورتی دقیق و منعطف‌ناپذیر در قانون تعیین شوند و هرگونه توسعه مفهومی در قلمرو مجازات باید صریحاً از سوی مقنن صورت گیرد؛ لذا اصطلاح «مانند تقبیل و مضاجعه» وقتی در کنار عبارت «رابطه نامشروع تعزیری» قرار می‌گیرد، به وسیله قاعده تمثیلی، قابلیت تسری به مصادیقی از همان جنس (یعنی کنش‌های تماسی و فیزیکی) را نشان می‌دهد و نه به‌طور معنادار به کنش‌های غیرتماسی (گفت‌وگوی تلفنی، پیام‌رسانی خصوصی، انتشار محتوا).

از منظر اصل قانونی بودن جرم و منع قیاس کیفری، تفسیر ماده ۳۰۶ به‌نحو گسترده‌ای که روابط غیرتماسی را دربرگیرد، با دو مانع حقوقی روبه‌روست: نخست، فقدان نص صریح مقنن که مصادیق غیرتماسی را هم‌عرض مصادیق تماسی قرار دهد؛ و دوم، قاعده تفسیر مضیق در حقوق کیفری که هر ابهامی را به نفع متهم تفسیر می‌کند. اداره کل حقوقی قوه قضائیه نیز در نظریه‌های مشورتی بر این نکته تأکید کرده که مثال‌های تبصره، تمثیلی‌اند و مقصود مصادیق فیزیکی رابطه جنسی است؛ بر این اساس، پرونده‌هایی که فاقد تماس بدنی‌اند اصولاً در دادرسی عادی دادسرا قابل رسیدگی‌اند مگر اینکه نص جدیدی از ناحیه قانون‌گذار دلالت کند (نظریه مشورتی شماره ۲۵۷۵/۹۶/۷).

در سطح اثبات، مدعی‌علیه رابطه نامشروع غیرتماسی با مشکل معیار ثبوت مواجه است؛ شواهد

نامشروع ماده ۶۳۷ ق.م.ا (تعزیرات) نمی‌باشد. همچنین محتوای صریح جنسی یا قرائن قطعی یا اطمینان‌آور دال بر عمل نامشروع ارائه نشده است. در نتیجه عناصر مادی و روانی جرم احراز نشد و حکم تجدیدنظر مبنی بر عدم انطباق دلایل با وصف کیفری، قطعی گردید.

رأی تجدیدنظر اهتمام به دو اصل اساسی حقوق کیفری را نمایان می‌سازد: الزام به اثبات عناصر جرم و تفسیر مضیق عناوین کیفری. مهم‌ترین نکته، ماهیت دلالت‌پذیر و زمینه‌مبنای شواهد دیجیتال است؛ پیامک و تماس به‌خودی‌خود نشانگر فعل جسمانی یا قصد جنسی قابل اتکا نیستند و تنها از راه قیاس و استنتاج قابل تفسیرند. تلاش برای معادل‌سازی مستقیم «تعامل مجازی» با «ارتباط فیزیکی» با خطر کیفری‌سازی رفتارهای روزمره و اعمال تفسیرهای احتمالی همراه است. از منظر اثباتی، دادگاه تجدیدنظر با مطالبه دلایل عینی و مؤکد - نه صرف ظن یا برداشت - هماهنگ بود و در نتیجه از توسعه‌پذیری نامحدود عنوان «رابطه نامشروع» در بسترهای دیجیتال جلوگیری نمود. این رأی، هرچند از همراهی با اصول مهم حقوق کیفری برخوردار است، اما هم‌زمان نشان‌دهنده ناهمخوانی مفاهیم سنتی جرم‌انگاری با پیچیدگی‌های شواهد آنلاین است و ضرورت پاسداری از استانداردهای اثباتی سختگیرانه در پرونده‌هایی با دلایل دیجیتال را برجسته می‌سازد.

دیجیتال غالباً قابل تأویل اند و ارتباط صرف لفظی بدون قرائن مادی سخت‌تر به‌عنوان «رابطه» قابل احراز است، در حالی که مصادیق تماسی مثال‌زدنی تبصره دارای آثار مادی و قابل رؤیت‌تری اند که ضابطه قانونی را تسهیل می‌کند. به همین دلیل، از دید تئوریک و رویه‌ای، تسری تلقی «رابطه نامشروع» به روابط غیرتماسی بدون تعدیل قانون یا دلالت روشنی از مراجع تقنین/تدوین نظرات حقوقی عالی، چندان قابل توجیه نیست.^۱

نتیجه

بررسی ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) نشان می‌دهد که ابهام در تعریف «روابط نامشروع» مهم‌ترین عامل ایجاد تشتت در رویه قضایی است. این ماده در زمان تصویب، اساساً ناظر بر روابط فیزیکی و تماسی میان زن و مرد نامحرم بوده، اما تحولات فرهنگی و گسترش فضای مجازی موجب شده که برخی محاکم، با تفسیر موسع، روابط غیرتماسی مانند پیام‌رسانی یا ارسال تصاویر خصوصی را نیز مشمول آن بدانند. چنین رویکردی، به دلیل فقدان نص صریح قانونی، مغایر با اصل قانونی بودن جرم و مجازات و اصل تفسیر مضیق در حقوق کیفری است. این وضعیت، نه تنها پیش‌بینی‌پذیری نظام عدالت کیفری را کاهش داده، بلکه خطر نقض حریم خصوصی و آزادی‌های فردی را نیز به همراه دارد و منجر به صدور آرای متعارض در پرونده‌های مشابه می‌شود. از منظر فقهی نیز اجماع قاطعی در خصوص شمول روابط غیرتماسی وجود ندارد و بسیاری از مراجع بر ضرورت

۱. شعبه ۳۴ دیوان عالی کشور در خصوص درخواست اعاده دادرسی محکوم‌علیه یک پرونده، پس از قرائت گزارش عضو ممیز و ملاحظه اوراق پرونده، چنین رأی داده است که باید میان «روابط فیزیکی» و «روابط غیرتماسی» تمکیک قائل شد. دیوان با ارجاع به تبصره ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری که به‌عنوان نمونه «تقبیل» و «مضاجعه» را ذکر کرده، این مصادیق را ملاک تفسیر تمثیلی ماده ۶۳۷ دانسته و نتیجه گرفته است که رفتارهایی همچون تماس تلفنی، ارسال پیام یا تعاملات مجازی، به‌خودی‌خود دارای عنصر مادی تماس بدنی نیستند و بنابراین مشمول عنوان کیفری «رابطه نامشروع» موضوع ماده مذکور نیستند. در پرونده مطروحه، قرائن دال بر تماس فیزیکی وجود نداشته و لذا دیوان شمول ماده را نفی کرده است.

تحلیل این رأی دیوان نشان می‌دهد که تبصره ماده ۳۰۶ با ذکر مصادیق صریح، نقش قرینه‌ساز در تفسیر ماده ۶۳۷ دارد؛ آوردن نمونه‌هایی همچون «تقبیل» و «مضاجعه» نشان‌دهنده اراده مقنن به اشاره به مصادیق تماسی است نه اعمت شمول نسبت به هر نوع ارتباط. از منظر قواعد تفسیر، تمثیل مصادیق معمولاً محدودکننده تلقی می‌شود؛ وقتی قانون‌گذار نمونه‌هایی از رفتارهای تماسی را ذکر می‌کند، دلالت آن بر این است که منظور، اعمالی با عنصر مادی تماس است. در پرونده حاضر، شواهد صرفاً ارتباطی و غیرمادی بوده و هیچ‌یک از مصادیق تماسی تبصره احراز نشده‌اند؛ بنابراین انطباق رفتار با متن تبصره و معناسازی تمثیلی آن محقق نیست. رأی دیوان مطابق با این قاعده تفسیر است: به‌جای توسعه مفهومی فراتر از مصادیق صریح، باید به متن تبصره رجوع و محدوده شمول را بر اساس مصادیق تماسی تعیین کرد؛ هر گونه تعقیب رفتارهای غیرتماسی مستلزم تصریح قانونی یا قرینه جدیدی خواهد بود.

وجود عنصر مادی تماس فیزیکی تأکید کرده‌اند.

بررسی‌های پژوهش حاضر نشان داد که فرضیه اصلی پژوهش، یعنی عدم کفایت پشتوانه حقوقی و فقهی برای شمول روابط غیرتماسی (از جمله روابط مجازی) تحت عنوان «روابط نامشروع» در ماده ۶۳۷، به طور کافی اثبات شد. تحلیل متن قانونی، قرائن تمثیلی موجود (ذکر «تقبیل» و «مضاجعه») و اصول تفسیر مضیق مقررات کیفری، همراه با مرور نظرات و اختلاف رویه‌های قضایی، حکایت از این دارد که متن فعلی ماده بیشتر مؤید تفسیر محدود و ناظر بر کنش‌های تماسی است تا توسعه آن به رفتارهای صرفاً ارتباطی یا مجازی. همچنین فقدان نص صریح فقهی در منابع اولیه استنباط درباره جرم‌انگاری روابط غیرفیزیکی، زمینه اختلاف نظر فقهی و تشتت در اجرای قانون را تشدید کرده است. نتیجتاً پاسخ سؤال اصلی پژوهش روشن است: مطابق مباحث ارائه شده، در وضعیت حقوقی کنونی نمی‌توان روابط غیرتماسی را به طور مستقل و مطمئن ذیل ماده ۶۳۷ قرار داد و برای احراز چنین شمولی لازم است مقنن صراحتاً متن را بازنگری یا تکمیل کند؛ در غیر این صورت تکیه بر عناوین جایگزین (نظیر مقررات جرایم رایانه‌ای یا آثار مدنی نقض تعهد زناشویی) و یکسان‌سازی رویه قضایی ضروری است.

در این راستا، پیشنهاد می‌شود نخست، اصلاح صریح ماده ۶۳۷ با تصریح بر اینکه «روابط نامشروع» تنها شامل اعمال دارای تماس فیزیکی است و روابط غیرتماسی صرفاً در صورت وجود نص مستقل، قابل تعقیب خواهد بود. دوم، افزودن تبصره تفسیری به ماده ۶۳۷ یا ماده ۳۰۶ آیین دادرسی کیفری که با استناد به مثال‌های «تقبیل» و «مضاجعه»، دامنه جرم را محدود به کنش‌های فیزیکی کند. سوم، تدوین دستورالعمل الزام‌آور توسط قوه قضائیه برای ملزم ساختن محاکم به تفسیر مضیق و منع استناد صرف به قرائن مجازی به عنوان عنصر مادی جرم. چهارم، ایجاد بانک جامع آرای وحدت رویه با تمرکز بر پرونده‌های مشابه و تأکید بر لزوم وجود تماس فیزیکی، به منظور یکسان‌سازی رویه. پنجم، آموزش تخصصی و مستمر برای قضات و ضابطان در خصوص اصول تفسیر مضیق، پیامدهای منفی توسعه مفهومی جرم و حساسیت‌های حقوق شهروندی در فضای مجازی. ششم، پایش و ارزیابی سالانه آرای صادره با انتشار گزارش رسمی از میزان انطباق آن‌ها با نص قانونی، که هم ابزار اصلاح رویه‌ها خواهد بود و هم پشتوانه‌ای برای بازنگری‌های بعدی قانون‌گذار فراهم می‌کند. چنین رویکردی می‌تواند با ایجاد شفافیت و انسجام در تفسیر ماده ۶۳۷، مانع از رویه‌های موسع و مداخله بی‌مورد در روابط خصوصی شود و عدالت کیفری را در مسیر صحیح حفظ کند.

منابع

فارسی

- رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۸۸). قانون جرایم رایانه‌ای: نوآوری‌ها و کاستی‌ها. مجله پژوهش‌های حقوقی، دوره ۸، شماره ۱۵.
- ملک شعار، مرضیه و تدین، عباس. (۱۳۹۸). تأثیر فضای مجازی در ارتکاب اعمال منافی عفت. تعالی حقوق، دوره ۵، شماره ۴.
- آیین، مهدی. (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی بررسی رابطه نامشروع در فقه و حقوق کیفری ایران. نشریه پژوهش‌های حقوق تطبیقی عدل و انصاف، تابستان ۱۳۹۸، شماره ۵.
- محمدی، حمیدرضا. (۱۴۰۲). اثبات تحقق رابطه نامشروع در فضای مجازی. پانزدهمین کنفرانس بین‌المللی حقوق و علوم قضایی.
- قدسی، سیدابراهیم و پورزرین، علی. (۱۳۸۴). نقد و بررسی ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی. مجله مطالعات اسلامی، شماره ۶۷.
- مسعودی‌نیا، محمد. (۱۴۰۱). روابط نامشروع در فضای مجازی از منظر فقه تطبیقی. فصلنامه فقه جزای تطبیقی، دوره ۲، شماره ۱.
- آقایی، مهدی. (۱۴۰۳). رسیدگی به جرایم منافی عفت با نگرشی کاربردی، چاپ نهم، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۳). استفتانات جدید، جلد سوم، چاپ پنجم، قم: مدرسه امام علی بن ابی‌طالب.
- محمدی، محمد. (۱۴۰۰). بررسی فقهی-حقوقی روابط مجازی نامشروع. مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره ۲۴.
- میثانی، حمیدرضا. (۱۳۹۶). روابط نامشروع غیر از زنا موضوع ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی. مجموعه مقالات سومین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران.
- صادق‌نژاد نائینی، مجید. (۱۳۹۸). بررسی ابهامات و چالش‌های ماده ۶۳۷ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ در مرحله صدور حکم و اجرای مجازات در پرتو رویه عملی محاکم کیفری. پژوهش‌نامه حقوق کیفری، دوره ۱۰، شماره ۲.
- نوروزپور، الیاس. (۱۴۰۲). تبیین مفهومی و مصداقی دو عنوان "منافی عفت" و "رابطه نامشروع" در فقه و حقوق. نشریه رسائل، شماره ۱۱.
- شکوهنده، فرزانه. (۱۳۹۹). چالش‌های پیرامون ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵. فصلنامه اندیشه حقوقی معاصر، دوره ۱، شماره ۲.
- فرجامیان، لیلا. (۱۴۰۴). جرم رابطه نامشروع و نگرشی بر ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی. یادداشت علمی منتشر شده در پایگاه سیولیکا.

عربی

- سیستانی، سید علی. (۱۴۳۸ق). منهاج الصالحین، جلد دوم، چاپ اول، قم: مکتبه آیت الله سیستانی.

انگلیسی

- Kuhli, Martin. (2012). *Nullum Crimen Sine Lege: Principle and Its Limits in German Criminal Law*. First edition, Baden: Nomos.
- Ashworth, Andrew; Horder, Jeremy. (2013). *Principles of Criminal Law*. 8th edition, Oxford: Oxford University Press.
- Lessig, Lawrence. (2006). *Code: Version 2.0*. First edition, New York: Basic Books.
- Solove, Daniel J. (2008). *The Future of Reputation: gossip, Rumor and Privacy on the Internet*. First edition, New Haven: Yale University Press.
- Restya, W. P. D. (2019). *Social Media and Marital Infidelity*. Dordrecht: Atlantis Press.
- Papp, L. M.; Danielewicz, J.; Cayemberg, C. (2015). „Do You Have Anything to Hide? Infidelity-Related Behaviors on Social Networks”. *Cyberpsychology, Behavior and Social Networking*, Vol. 18, No. 10.
- Hart, H. L. A. (2008). *The Concept of Law*. Third edition, Oxford: Oxford University Press.
- Fuller, Lon L. (2010). *The Morality of Law*. Revised edition, New Haven: Yale University Press.